### تجزی

تجزی در اجتهاد به معنای تجزی در قدرت بر استنباط احکام شرعیه است و این تجزی و تفکیک صرفاً بر مبنای ابواب متداول فقهیه نیست و مواردی مانند عمق و حجم مسائل در آن دخیل است.

همچنان که تفکیک قدرت بر استنباط احکام می‌تواند بر اساس ابواب فقهیه باشد، می‌تواند این تفکیک بر پایه تفکیک قدرت بر اساس مسائل اصولی و رجالی نیز باشد. به‌طورکلی تجزی در لایه‌ها و ستون‌های اجتهاد موجب تفکیک و تجزی در اصل اجتهاد می‌شود.

نوع مسائل از دو جهت باهم تفاوت دارند:

1- حجم مبادی مسأله؛ تفاوت اول در حجم مبادی و مبانی استنباط حکم است. برای مثال گاه یک مسأله فقهی با چند مقدمه اصولی و رجالی استنباط می‌شود و گاه استنباط یک حکم به مبانی و مبادی کثیری نیاز دارد. این نوع از تجزی، بر مبنای تفکیک در حجم مبادی مؤثر در استنباط است.

2- عمق مبادی مسأله؛ تفاوت دوم در عمق و پیچیدگی مبانی مؤثر در استنباط حکم است. برای مثال گاه استنباط مسأله فقهی متوقف بر فهم مسائل اصولی پیچیده مانند اجتماع امرونهی و ترتب است.

### مراتب تجزی و اطلاق

تجزی در اجتهاد بر مبنای تفکیک قدرت در استنباط احکام است، ولی اطلاق قدرت بر استنباط به نحو حقیقت یا تسامح به‌عنوان امری کلی از حیث تجزیه و تفکیک، تشکیک دارد. (کلی مشکک است) به این معنا که قدرت در استنباط مسائل (اجتهاد) دارای مراتب تشکیکی (ضعیف و شدید) است و البته حقیقتاً تشکیک در موضوع واحد نیست ولی با توجه به اینکه تمام مراتب از منظر واحد دیده می‌شود گفته می‌شود قدرت بر استنباط مراتبی دارد.

تجزی در اجتهاد مراتبی دارد و از تجزی بسیط شروع و تا تجزی مبسوط و بعد از آن اطلاق ادامه دارد.

### ترتب اجتهاد مطلق بر تجزی

بحث در این است که آیا اجتهاد همیشه یک سیر "تجزی به اطلاق" طی می‌کند ؟ و آیا حصول اطلاق مسبوق به تجزی است؟ مرحوم صاحب کفایه قائل به این هستند که اطلاق همیشه مسبوق به تجزی است و بعض دیگر گفته‌اند این‌چنین نیست.

نظر استاد: حق این است که اجتهاد مطلق غالباً مسبوق به تجزی است زیرا؛ حل مسائل اصولی و رجالی، انس با روایات و مهارت فقهی به‌تدریج حاصل می‌شود. باید توجه داشت سرعت سیر از تجزی به اطلاق متفاوت است و مواردی همچون استعداد، ضریب هوشی، تلاش، علاقه و انگیزه در سرعت و بطئ آن مؤثر است و اگرچه اجتهاد مطلق بدون سیر تدریجی (تجزی) عقلا متصور است، لکن در مقام عمل نادر بلکه نشدنی است.

### اجتهاد مطلق

بررسی چند مناقشه در امکان حصول اجتهاد مطلق:

1- حجم عظیم مسائل مستحدثه و نوپدید و گسترش و پیچیدگی مبادی و مبانی فقه، موجب شده اجتهاد آن‌چنان وسیع و پیشرفته شود که عملاً وصول به اجتهاد مطلق ممکن نباشد.

2- فارغ از توسعه مسائل و مبادی اجتهاد، حتی در مبادی و مسائل محدود هم گاهی مجتهد به نتیجه نرسیده و حکم به احتیاط می‌دهد (یکی از انواع احتیاط آن است که مجتهد نتوانسته‌است به نتیجه برسد) و تصور اینکه مجتهد در تمام مسائل به نتیجه رسیده است، معقول نیست؛ بنابراین اجتهاد مطلق به معنای حقیقی کلمه ممکن نیست.